



سه گلوگاه صنعت نساجی

مصرف کنندگان داخلی نیست.

یکی از اقدامات دولت برای حمایت از این صنایع ممنوعیت ورود تولیدات نساجی به کشور است. با این همه، فعالان این حوزه پیش از این با اشاره به غیرشفاف بودن و ابهام در آمار واردات این محصولات گفته بودند که نمی‌توان آمار درستی از ورود این گروه از کالاها به کشور ارائه کرد؛ زیرا وقتی به آمار گمرک رجوع می‌شود رقم ثبت‌شده برای کالای نساجی وارداتی به ایران با میزان صادرات کشورهای مبدأ صادرات به ایران اختلاف آماری فاحشی دارد. این اختلاف ارقام، نشان‌دهنده آن است که اجناس به صورت غیرقانونی وارد کشور می‌شوند. تنها در بخش پوشاک، آخرین برآوردها نشان می‌دهد که ۷۰۰ میلیون دلار کالای قاچاق به بازار ایران آمده است.

این رشته فعالیت صنعتی مانند بقیه رشته فعالیت‌ها از دخالت‌های دولت بی‌نصیب نمانده است. برای مثال و به طور مصداقی دولت در حوزه‌هایی همچون وضع عوارض و تعرفه، با اقدامات خود باعث مانع‌زایی برای فعالان این صنعت شده است. واردات ماشین‌آلات نو و دست‌دوم صنایع نساجی، مشمول عوارض ست. این در حالی است که همه ماشین‌آلات این صنعت وارداتی است و تولیدکنندگان برای واردات آنها با مشکلات زیادی مواجه‌اند؛ زیرا شرکت‌های معتبر دنیا به ایران به صورت مستقیم ماشین‌آلات نمی‌فروشند. فعالان حوزه نساجی اذعان دارند که برخی از این محصولات را به صورت غیرمستقیم و با دور زدن تحریم خریداری می‌کنند؛ اما هزینه تحریم، موجب می‌شود تولیدکنندگان مجبور شوند این محصولات را با ۲۰ درصد افزایش قیمت نسبت به محصولات روز خریداری کنند. این مساله همچنین در واردات مواد اولیه نیز تکرار می‌شود. اصلی‌ترین ماده اولیه صنعت نساجی پنبه و پلی‌استر است. کشور هر سال به ۱۵۰ هزار تن الیاف پنبه نیاز دارد و از این میزان تنها حدود ۵۰ هزار تن از داخل کشور تامین می‌شود.

به همین دلیل تجار این حوزه باید تقریباً ۱۰۰ هزار تن از این محصول را به صورت واردات تامین کنند اما این مواد اولیه از کشورهایی وارد می‌شود که ایران با آنها رابطه بانکی ندارد و خرید، به‌سختی انجام می‌شود. همچنین سیاست‌های دولت به‌خصوص در سال جاری، موجب شده است تا تعرفه ماده اولیه با تعرفه محصول نهایی در بعضی موارد یکی شود. به همین دلیل بازرگانان ترجیح می‌دهند به جای واردات ملزومات تولید، دست به واردات محصول نهایی که پرسودتر است، بزنند.

این در حالی است که این تعرفه‌ها در ادوار گذشته، نظم مشخصی داشتند. برای مثال فعالان این حوزه عنوان می‌کنند که تعرفه واردات الیاف پنبه ۵ درصد، نخ ۱۵ درصد و پارچه ۳۲ درصد در سال گذشته بوده و واردات پوشاک نیز ممنوع بود. اما از ابتدای سال ۱۴۰۱، تغییراتی به وجود آمد و تعرفه الیاف پنبه به ۴ درصد و نخ پنبه به ۵ درصد تبدیل شد. به همین دلیل واردات نخ با صرفه‌تر از واردات پنبه شده است. این چالش‌ها گلوگاه‌هایی هستند که صنعت نساجی را تحت‌تاثیر قرار داده‌اند.

بی‌ثباتی اقتصادی به صنعت نساجی و پوشاک نیز سرایت کرد؛ شاخص مدیران خرید که اتاق ایران منتشر می‌کند نشان می‌دهد که صنعت پوشاک و نساجی در سال جاری مدام در حال افت و خیز بوده‌اند، به گونه‌ای که رکود و رونق در این صنعت، به بیان آمارها تداومی نداشته است؛ هرچند نگاهی به شامخ پوشاک و نساجی از ابتدای امسال تا مهرماه رکود را بیش از رونق به ذهن متبادر می‌کند. شامخ کلی این رشته فعالیت صنعتی در فروردین ماه سال جاری به طور فزاینده‌ای دچار افت شده و به ۶/۲۸ واحد رسیده است. البته، مدیران این صنایع در اردیبهشت‌ماه احساس کردند که وضعیت این حوزه مساعدتر شده و شاخص مدیران خرید در این ماه به ۸/۸۱ واحد رسید؛ ولی این رونق، چندان دوام نداشت و در ماه بعدی شامخ آن به یک‌باره ۳/۶۲ واحد شد.

به گزارش فدای اقتصاد، روند کاهش شامخ صنایع نساجی در دوماه بعدی نیز ادامه داشت. شاخص کلی این صنعت در تیرماه و مردادماه به ترتیب، معادل ۳/۵۷ واحد و ۴۷/۹۵ واحد ثبت شد. البته بارقه‌هایی از امید در شهریورماه به کسب و کارهای صنعت نساجی تابیده شد و شاخص کلی شامخ این صنایع به ۹/۵۳ واحد رسید. اما تازه‌ترین گزارش شامخ این رشته فعالیت صنعتی نشان می‌دهد که صنایع نساجی در مهرماه دوباره شاهد افت بوده‌اند و رقم شامخ کلی آنها به ۴۶/۹۴ واحد رسیده است.

فعالان صنعت نساجی و پوشاک بارها اعلام کرده‌اند که سه‌عامل قاچاق، نبود حمایت از صادرکنندگان و همچنین نبود قوانین مناسب و ریل‌گذاری صحیح برای صنایع نساجی، دلایل اصلی افت و رکود در این صنعت هستند. به‌جز این، با بررسی آمار شاخص شامخ در هفت‌ماه سال جاری می‌توان دریافت که صنعت نساجی نیز مانند صنعت لوازم خانگی، رشد بسیار کندی را تجربه می‌کند. افت میزان تولیدات می‌تواند نشأت‌گرفته از عواملی مانند افزایش سطح عمومی قیمت کالاهای این صنایع باشد.

امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های این صنعت در ایران، تهیه مواد اولیه اصلی یعنی الیاف پنبه و ابزار تولید است. این در حالی است که در کشور این مزیت وجود دارد که با وجود تولید مواد پتروشیمی و الیاف مصنوعی در داخل، ایران خود را در رتبه‌های برتر این صنعت در جهان قرار دهد؛ مزیتی که در نبود استراتژی مناسب دست‌اندرکاران از دست رفته است. با این حال، ایران با جمعیت بیش از ۸۰ میلیون نفر و سلیقه‌های متنوع در مصرف پوشاک، نیاز زیادی به داخلی‌سازی این صنعت دارد. البته، عرضه و تولید پوشاک و منسوجات خانگی در داخل، بسیار کمتر از میزان تقاضاست. از این رو بازار ایران در این بخش تشنه است و با توجه به ممنوعیت واردات گسترده در محصولات نهایی صنعت پوشاک و نساجی، میل به قاچاق افزایش می‌یابد. بی‌اعتمادی مصرف‌کننده ایرانی به صنعت نساجی بومی کشور نیز یکی از دلایل عدم کامیابی فعالان این صنعت است. در واقع تولیدکنندگان و صاحبان صنایع نساجی معتقدند که این صنعت موقعیت اشتغال‌زایی زیادی دارد و از مزیت رقابتی خوبی در منطقه برخوردار است؛ با این حال، مورد اعتماد